

تعیین رابطه بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز

محمود علمی^{۱*}، ماریا پاشایی^۲

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی، تبریز، ایران.

۲- کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

بدون بررسی فرهنگ یک جامعه یا یک گروه نمی‌توان درباره سیاست و نگرش‌های سیاسی آنان مطالعه نمود. ویژگی‌های فرهنگی خاص هر قشر می‌تواند در مولفه‌های فرهنگ سیاسی آن قشر تاثیرگذار باشد. معلمان نقش موثری در سلامت و ثبات سیاسی جامعه ایفا می‌کنند. از این رو مهمترین قشری که در اعتلای فرهنگ سیاسی جامعه می‌توانند نقش عمده‌ای داشته باشند، معلمان هستند و فرهنگ سیاسی نامناسب این قشر عظیم به معنای ایجاد جدایی و انفصال بیشتر مردم و سیستم سیاسی است. هدف از مطالعه حاضر تعیین رابطه بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی در بین معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز بوده است. جامعه آماری تحقیق معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ به تعداد ۲۶۲۵ نفر می‌باشند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۳۵ نفر برآورد گردید. جهت انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نامتناسب با حجم نمونه استفاده شد. اعتبار ابزار با استفاده از نظر استادان متخصص گروه مورد تایید قرار گرفت و پایایی ابزار با

استفاده از آزمون آلفای کرونباخ با مقدار آلفای بالای ۰/۷ تایید گردید. برای آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آماری آزمون همبستگی پیرسون، آزمون T و رگرسیون استفاده گردید. بر اساس نتایج پژوهش، فرهنگ سیاسی و بیگانگی اجتماعی معلمان در سطح متوسط است. همچنین بین متغیرهای فرهنگ سیاسی، اعتماد به کارایی نظارت سیاسی و اعتماد به کارایی مدیریت نیروی انسانی و فرهنگ ستیز و خشونت همبستگی معنی دار مثبت به دست آمد. همچنین ۲۳ درصد از تغییرات فرهنگ سیاسی معلمان توسط متغیر بیگانگی اجتماعی قابل تبیین است.

واژه‌های کلیدی: بیگانگی اجتماعی، فرهنگ سیاسی، اعتماد به کارایی نظارت سیاسی، اعتماد به کارایی مدیریت نیروی انسانی.

مقدمه و بیان مسأله

دانش و معرفت سیاسی زیر مجموعه دانش‌های مربوط به علوم انسانی است، بررسی و تفحص در باب سیاست و ابعاد مختلف آن از روش‌های پژوهش در علوم انسانی تبعیت می‌کند. گستردگی و عمق پدیده‌های مربوط به علوم انسانی، پیچیدگی‌ها و تنوع موضوعات، روش‌های متنوعی را ایجاد نموده است. فرهنگ سیاسی مقوله‌ای است بین رشته‌ای، مربوط به جامعه‌شناسی و علوم سیاسی. بدین معنا که بررسی این مقوله نیازمند داشتن اطلاعات لازم و پایه‌ای در هر دو رشته است. فرایند فرهنگ سیاسی و جریان بیگانگی اجتماعی، هر دو ریشه در فرهنگ دارند و مجاری و کانال‌های جامعه‌پذیری اجتماعی و سیاسی فرد، هر دو در بطن فرهنگ جامعه‌ای قرار دارند، که در آن زیسته است. تجربه زیسته یک فرد، تجربه زیسته تمام نسل‌های پیش از او در طول تاریخ و در جغرافیای خاص فرهنگی فرد است. حضور و چینش ابعاد و مولفه‌های فرهنگ سیاسی و همچنین چالش‌های مربوط به این حوزه، از چینش فرهنگ حاکم بر یک جامعه، طی سالیان متمادی، پیروی میکند پیرو این تشابهات، تغییر و تحول در یکی، زمینه تغییر و تحول بطنی و آرام در دیگری خواهد بود. فرهنگ سیاسی اگر چه مبنایی برای گذر به دموکراسی در کشورهای غیر دموکراتیک و تحکیم آن در کشورهای دموکراتیک است، اما تردیدی نیست که خود از اندیشه‌ها و مباحثات متفاوتی سرچشمه می‌گیرد، تقویت یا تضعیف می‌شود. توسعه اقتصادی، رویکردهای مذهبی، طبقه اجتماعی،

اقتصادی و... از جمله عواملی هستند که توسط اندیشمندان مختلف بعنوان مبنای تغییر در فرهنگ سیاسی ذکر شده‌اند. میان سیاست و فرهنگ ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. در چند دهه اخیر، فرهنگ سیاسی از مباحثی است که در حوزه علوم اجتماعی آمریکایی مطرح شده است. گرچه عده‌ای از متفکرین علوم اجتماعی حوزه اروپایی معتقدند که نمی‌توان فرهنگ را به اجزای گوناگونی مانند فرهنگ سیاسی و... تقسیم کرد، اما بر خلاف گروهی دیگر بر این باورند که تفکیک فرهنگ سیاسی از فرهنگ به شکل عام آن، نه فقط امری مفید است، بلکه در برخی از موارد، ضروری نیز خواهد بود؛ زیرا در این صورت هم می‌توان به جنبه‌های فرهنگی سیاست، مستقل از سایر وجوه سیاست پرداخت و هم ابعاد سیاسی فرهنگ را جدا از دیگر ساخت‌های آن مطالعه کرد. بدین ترتیب امکان بیشتری برای تحلیل نظام یافته تر از سیاست و فرهنگ پدید خواهد آمد. همچنین آنان معتقدند که علت توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی سیاسی و ریشه و عملکرد نهادهای سیاسی را می‌توان با استفاده از مقوله فرهنگ سیاسی توضیح داد (رزاقی، ۱۳۷۵: ۲۰۰).

از طرفی دیگر مفهوم فرهنگ از جمله پژوهش‌های انسان‌شناسی است که دانشمندان علوم سیاسی به منظور تأکید بر فرهنگ بعنوان عامل تعیین کننده اصلی در رفتار انسانها، بدان توجه کرده‌اند، فرهنگ را می‌توان؛ مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی و اکتسابی یک جامعه خاص دانست. ویژگی اکتسابی بودن فرهنگ را از رفتاری که نتیجه وراثت زیست‌شناختی است متمایز می‌کند (کوئن، ۱۳۷۵: ۳۶).

با توجه به رابطه تنگاتنگی که میان حکومت‌ها و مردم در جوامع امروزی، بوجود آمده است، داشتن فرهنگ سیاسی مدرن و متناسب با شکل حکومت‌های دموکراسی، در جوامع امری بسیار ضروری است که باید مورد توجه قرار گیرد. بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی رابطه وجود دارد چنانچه جامعه دچار از خود بیگانگی اجتماعی باشد، فرهنگ سیاسی آن جامعه در ابعاد مختلف خود نظیر: بی‌اعتمادی سیاسی، مشارکت سیاسی، و فرهنگ ستیز و خشونت، دچار آسیب‌ها و انحرافات جدی خواهد شد. بی‌توجهی به فرهنگ سیاسی در اقلشار تحصیلکرده و دارای شغل‌های حساس، نظیر معلمان که بطور مستقیم با دانش آموزان در ارتباط هستند و تاثیرات بالایی بر شکل - گیری افکار آنان دارند. نسل تحت آموزش و تربیت

امروز معلمان؛ گردانندگان فردای جامعه هم به لحاظ اجتماعی و خانودگی وهم به لحاظ اقتصادی و مهم تر به لحاظ سیاسی خواهند بود. لذا توجه به فرهنگ سیاسی معامین و آشنایی با سطوح مختلف آن می تواند از بار هزینه های سنگین صدمات و لطمات نقصان و یا اختلال در نگرشهای سیاسی که در عمل نیز متبلور می شوند بکاهد. به عقیده سریع القلم یکی از قوی ترین مفاهیم علوم اجتماعی در بوجود آمدن مطالعات رفتار سیاسی و یک مرکز برای مطالعه گرایشات شهروندی، مفهوم فرهنگ سیاسی است. او معتقد است که مفهوم فرهنگ از زمانی که علم سیاست مورد توجه قرار گرفته است در متون تخصصی این علم دیده می شود (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۱۱).

یکی از آفت های مهم بیگانگی اجتماعی می تواند بی توجهی به فرهنگ سیاسی کارکنان سازمان آموزش و پرورش باشد. این بی توجهی، اثر بخشی و کارایی سازمان را در ابعاد مختلف اجتماعی و علی الخصوص در مورد سیاسی کاهش می دهد. در این میان فرهنگ سیاسی معلمان به عنوان یکی از متغیرهای مهم و اثر گذار است. هنگامی که کارکنان دارای سطوحی از فرهنگ سیاسی باشند و فرصت یابند اندیشه های خود را داشته و در تصمیم گیری ها بیشتر دخالت داده شوند، واکنش های مطلوب و مناسبی از خود نشان خواهند داد. ادر خصوص فرهنگ سیاسی نتایج مطالعات نشان می دهد: در یک پژوهش گسترده در زمینه فرهنگ سیاسی در سال ۱۹۶۳ دو امریکایی به نامهای گابریل آلموند و سیدنی وربا، باهم مشارکت داشته اند که حاصل پژوهش آنها بدین شرح است: اینان در کتاب فرهنگ مدنی سه نوع فرهنگ سیاسی را براساس سطح و نوع مشارکت سیاسی و ماهیت نگرش مردم نسبت به سیاست عنوان نموده اند: محدود، مطیع، مشارکتی. و معتقدند شخصیت سیاسی هر فرد در هر مقطع از زمان، ترکیبی است از احساسات و ایستارهای متعدد که به نسبت های مختلف باهم تلفیق یافته اند. علاوه از اینها شناختهایی در مورد نهادهای سیاسی و حکومتی که شناخت های غیر احساسی هستند وجود دارد. در رده سوم دیدگاه های تحول پذیری هست که فرد در مورد رویدادها، سیاست ها، موضوعات و شخصیت های روز دارد

یکی از موانع تاثیر گذار بر فرهنگ سیاسی، موضوع بیگانگی اجتماعی است. بیگانگی که از آن به عنوان نوعی احساس انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنش) میان

افراد و جامعه نام برده می شود و به طرق مختلف بر فرهنگ سیاسی تاثیر دارد. و مانعی در راه توسعه سیاسی کشور است. بر اساس تحقیقات انجام شده (جانسون، ۱۹۷۳؛ محسنی تبریزی ۱۳۷۵). رابطه معنا داری میان بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی وجود دارد و به اعتبار این اصل که فرهنگ سیاسی به عنوان شرط اصلی توسعه متغیری متعامل است و به درجه صنعتی شدن و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مربوط می شود.

سوال اصلی در این پژوهش این است که:

آیا بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه ی شهر تبریز ارتباطی وجود دارد؟

هدف اصلی

تعیین میزان رابطه بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز.

اهداف جزئی

- ۱- تعیین میزان رابطه بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی نظارت سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز.
- ۲- تعیین میزان رابطه بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی مدیریت نیروی انسانی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز.
- ۳- تعیین میزان رابطه بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ ستیز و خشونت در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز.
- ۴- مقایسه میزان بیگانگی اجتماعی و میزان فرهنگ سیاسی معلمان بر حسب جنسیت آنان.
- ۵- تعیین میزان بیگانگی اجتماعی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز.
- ۶- تعیین سطح فرهنگ سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز.

مبانی نظری پژوهش

«اصطلاح «فرهنگ سیاسی» به موضع گیری‌های خاص سیاسی اشاره می‌کند، گرایش‌ها نسبت به نظام سیاسی و قسمتهای مختلف آن و گرایش‌ها نسبت به نقش خویش در نظام. زمانی که ما از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم، به نظام سیاسی‌ای اشاره می‌کنیم که در شناخت‌ها، احساسات و ارزیابی مردمش درونی شده است و مردم آن را استنباط کرده، در آن قرار می‌گیرند، چنانکه ایشان در نقش‌های غیر سیاسی اجتماعی، شده‌اند (آلموند و وبرا، ۱۳۶۳: ۱۴). از نظر آلموند هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است (بهنام، ۱۳۸۸: ۲۵). در تعریف دیگر در مورد فرهنگ سیاسی گفته‌اند: «جنبه‌های خاصی از فرهنگ عمومی جامعه که به زندگی سیاسی نظر دارد و به مسائلی چون "چگونه حکومت کردن" و "چگونگی حکومت" می‌پردازد، فرهنگ سیاسی می‌نامند. « (عالم، ۵۱). سیدنی وریا در تعریف فرهنگ سیاسی می‌گوید: «فرهنگ سیاسی عبارت است از نظام باورهای تجربه پذیر، نهادها و ارزش‌هایی که پایه و مبنای کنش سیاسی است» (قوام، ۱۳۷۳: ۷۳).

نظری لاری دیاموند

لاری دیاموند در کتابش با عنوان «دموکراسی در حال توسعه، به سوی تحکیم» خاطر نشان می‌کند که دموکراسی به عنوان پدیده‌ای تکاملی ملاحظه شود، زیرا نه در این زمان و نه در هیچ دوره‌ای دموکراسی و جهان مدرن دولت-ملت‌ها به گونه‌ی دموکراسی که در آن همه‌ی شهروندان تقریباً منابع سیاسی یکسانی را دارا بوده و حاکمیت به طور کامل یا تقریباً کامل نماینده همه شهروندان باشد کامل نبوده است. (دیاموند، ۱۹۹۸ پ ۱۸).

دیاموند فرایندهای تحکیم دموکراسی در کشورهایی که پس از «موج سوم» دموکراتیزاسون جهانی بالاتر از آستانه دموکراسی انتخاباتی قرار داشتند را آزمون کرد. توجه او به عوامل فرهنگی - سیاسی و جامعه مدنی متمرکز بود، اگر چه به ساختارهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی نیز اشاره می‌کند. به این دلیل که دموکراسی «نیازمند مجموعه‌ای از

ارزش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های شهروندان مانند تعادل، تساهل، مدنیت به اثر بخشی دانش و مشارکت است» او بر اهمیت فرهنگ سیاسی به عنوان عامل اصلی در تحکیم دموکراسی تأکید می‌کند (دیاموند، ۱۹۹۸-۱۶۱).

نظریه دونالد اینگلهارت

از جمله اندیشمندانی است که در چهارچوب رهیافت توسعه انسانی به فرهنگ سیاسی نگریده و مطالعات متعددی را در این باره انجام داده است. به جرأت می‌توان عنوان کرد که یکی از بدیع‌ترین و جدیدترین تئوریها درباره‌ی فرهنگ سیاسی در سال‌های اخیر توسط وی و همکارانش تدوین شده است. تز اینگلهارت و ولزل شکل دگرگون‌شده‌ای از تئوری نوسازی است که رشد انتخاب انسانی را به عنوان موضوع زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی به رشد ارزشهای ابراز وجود و تقویت نهادهای دموکراتیک ملاحظه می‌کند. (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۳۴۵). آنها درباره‌ی اثرات توسعه خاطر نشان می‌کنند که ((اثر توسعه اجتماعی - اقتصادی بر تغییر فرهنگی در دو مرحله عمل می‌کند. صنعتی شدن نخستین فرایند عمده فرهنگی را رشد می‌دهد و بوروکراتیک شدن و سکولاریسم را به همراه می‌آورد. ظهور جامعه فراصنعتی فرایند عمده دوم تغییر فرهنگی را شکل می‌دهد: به جای عقلانیت، تمرکزگرایی و بوروکراتیک شدن، روند جدید در راستای افزایش تأکید بر خودمختاری فردی و ارزش‌های ابراز وجود است. هر دو مرحله تغییر فرهنگی جهت‌گیری‌های اقتداری مردم را البته به شیوه‌های متفاوتی مجدداً تشکیل می‌دهند. (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۱).

نظر گابریل آلموند

نخستین بار واژه فرهنگ سیاسی را گابریل آلموند در علم سیاست بکار برد، وی نخست در سال ۱۹۵۶ میلادی در تلاش اولیه که برای طبقه‌بندی و مقایسه نظام‌های سیاسی صورت داد، مفهوم فرهنگ سیاسی را چنین تعریف کرد: «هر نظام سیاسی در درون الگوی خاصی از سمت‌گیری برای کنش سیاسی فعالیت دارد که خوب است آن را فرهنگ سیاسی بنامیم» الموند با همکاری وربا در کتاب «فرهنگ مدنی» این مفهوم بندی از فرهنگ سیاسی را

گسترش داد و از آن برای باز کاوی تجربی ایستارهای موجود در پنج کشور بریتانیا، المان، ایتالیا، مکزیک و امریکا بهره گرفت «الموند و وربا: ۱۹۶۳» کار مشترکی که الموند و وربا در این کتاب انجام دادند، کار جدید و نو در عرصه نظریه پردازی در زمینه فرهنگ سیاسی محسوب می‌شد.

آلموند و وربا براساس نوع نگرش و سمت گیری به سیاست، فرهنگ سیاسی را به انواعی تقسیم کردند. واحد تحلیل آنها، همانطور که ذکر شد، افراد بودند. از نظر آنها، افراد در سه مقوله کلی «مشارکت جو» که فرهنگ سیاسی مشارکتی دارند، «پیرو یا تابع» که فرهنگ سیاسی تبعی یا رعیتی را بوجود می‌آورند و «کوچک اندیش» که فرهنگ سیاسی کوچک اندیشانه را پدید می‌آورند، تقسیم می‌شدند (آلموند و وربا، ۱۹۶۵: ۱۶-۱۵). البته تقسیم بندی افراد تحت عناوین، مشارکتی، رعیتی و کوچک اندیشانه، در واقع بیان انواع آرمانی بود؛ به عبارت دیگر، در عالم واقع، یافتن چنین حقایقی امکان پذیر نیست؛ نه افراد بطور کلی مشارکت جویند و نه فرهنگهای سیاسی همگی مشارکتی یا غیر مشارکتی هستند. به همین دلیل، آنها از فرهنگهای سیاسی ترکیبی صحبت به میان آورده اند که ترکیبی از عناصر مشارکتی و رعیتی است و از قضا، وجود این فرهنگ برای پایداری دموکراسی که در آن درجه‌ای از مشارکت و تبعیت توأمان لازم است، موثر است یا فرهنگهای سیاسی کوچک اندیش و مشارکتی که در اغلب جوامع سنتی، مانند جوامع قبیله‌ای یا امپراطوری‌ها و پادشاهی‌های سنتی، مشاهده می‌شود، ماهیتی معجزا دارند. ویژگی فرهنگ سیاسی مشارکتی این است که در این فرهنگ، افراد درباره اجزای نظام سیاسی - نظام، فرایند و سیاست گذاری - یا به عبارتی، فرایند داده و ستاده، تلقی روشنی دارند؛ از جریان امور آگاهند و گرایش به بروز دادن نقش فعال از خود در امور دارند. رژیم‌های دموکراتیک از مصادیق این نوع از فرهنگ‌ها هستند.

نظر آنتونی گیدنز

گیدنز بحث اعتماد را در بستر تفاوت بین مدرنیسم و سنت بیان می‌کند و بر این اساس مبنای اعتماد را در جوامع توضیح می‌دهد. گیدنز سه سرچشمه مهم پویایی مدرنیت را جدایی زمان و مکان، تحول مکانیسم‌های از جا کنندگی و تخصیص بازاندیشانه دانش می‌داند و در

تمام بحث‌های خود، اعتماد به این سه اصل را مورد توجه قرار می‌دهد. بنظر وی مسئله عصر جدید، دولت بیشتر یا کمتر نیست، بلکه شناخت این موضوع است که حکومت کردن باید با شرایط عصر جدید جهان سازگار شود و اقتدار، از جمله مشروعیت دولت، می‌بایست بطوری جدید تحدید شود. بعلاوه بنظر وی دولت‌ها به عوض دشمن، با مخاطرات روبه‌رو هستند، ناچار باید در جستجوی منابع مشروعیت متفاوت از منابع گذشته باشند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱).

یکی از نکات بسیار مهم در افکار گیدنز، اشاره به این امر است که برای نخستین بار حکومت‌ها در همان محیط‌های اطلاع‌رسانی قرار دارند که شهروندانشان هستند. وقتی هر کسی از همان اطلاعاتی برخوردار است که حکومتش، همه چیزهایی که زمانی قابل قبول بود؛ دیگر کمتر مورد پذیرش خواهد بود. وی نتیجه می‌گیرد که حکومتها باید شیوه رفتار با شهروندان را تغییر دهند. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۲).

بیگانگی اجتماعی

تعریف بیگانگی اجتماعی: بیگانگی اجتماعی عبارت است از حالتی بر افراد که احساس می‌کنند نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند خرد کننده و مغایر با برخی نیاز مندی‌های آنان است، بطوریکه باعث جدایی و تعلق نداشتن آنها نسبت به جامعه است و حتی گاه تلاش می‌کند که این نظام اجتماعی و ضوابط حاکم بر آنرا نفی کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۶۵).

نظریه ملوین سیمن در مورد بیگانگی اجتماعی

از میان نظریات ارائه شده در مورد بیگانگی اجتماعی ما در این پژوهش از نظریات ملوین سیمن که رویکرد روانشناسی اجتماعی دارد استفاده می‌شود. از منظر نظریه سیمن، ساختار بوروکراسی جامعه مدرن شرایطی را ایجاد و ابقا کرده است که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل و عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. به نظر او نحوه کنترل و مدیریت جامعه و سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد ارتباطی ما بین رفتار خود و پاداش خود از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به کنش منفعلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد

(ملوین سمین، ۱۹۵۹: ۷۸۳). اساس دیدگاه سمین مبتنی بر ۵ مولفه بی قدرتی - انزوا - بی هنجاری - بی معنایی تنفر از خود استوار است.

الف) احساس بی قدرتی: به نظر سمین بی قدرتی عبارت است از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که در نظر دارد سوق نخواهد داد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

ب) احساس انزوای اجتماعی: از دید سمین احساس انزوای اجتماعی، واقعیتی فکری است که در آن فرد عدم تعلق وابستگی و انفصال تامی را با ارزش های مرسوم جامعه احساس می کند. در این حالت فرد هم چنین دارای اعتقاد و باور نازلی نسبت به مکانیسم ارزش گذاری و سیستم پاداش اجتماعی است و با هر آن چه که از نظر جامعه معتبر و ارزش مند است خود را هم عقیده و همسو می بیند و این حالت زمانی روی می دهد که فرد نسبت به حوزه مشارکت سیاسی هیچ گونه رای و نظری را نتواند اعمال کند و از سوی افراد قدرتمند به انزوا و حاشیه رانده می شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۴۶).

ج) احساس بی هنجاری که اقتباسی است که توصیف دورکیم درباره آنومی و به شرایط بی هنجاری اشاره دارد دلالت بر وضعیتی دارد که در آن هنجارهای اجتماعی که رفتار فردی را انتظام می بخشد، از هم گسیخته یا تأثیر خود را به عنوان قاعده رفتار از دست داده است. به عقیده سمین بی هنجاری هم چون بی قدرتی وضعیت فکری و ذهنی است که در آن فرد این احتمال را به حد مفروطی بر خود مفروض و متصور می دارد که تنها کنش هایی فرد را به حوزه های هدف نزدیک می سازد که مورد تایید جامعه نیست. هم چنان که ماری لوین معتقد است که این حالت هنگامی روی می دهد که اخلاق اجتماعی بی ارزش جلوه کند و معیارهای رفتار سیاسی یا بعضی از اهداف زیر پا گذاشته می شود.

د) احساس بی معنایی: این جنبه از بیگانگی بر پایه شعور شخص در فهم رویدادهایی است که او در آن رویدادها شرکت دارد که ممکن است حد بالای بیگانگی مد نظر باشد و به نظر سمین زمانی مشهود است که فرد در باور و عقیده خود دچار شک و تردید و ابهام است. یعنی

نمی‌داند که به چه اعتقاد داشته باشد در تصمیم‌گیری‌ها عقیده خود را با استانداردهای موجود در جامعه خویش نمی‌تواند تطبیق دهد.

ه) احساس تنفر از خود: که آخرین تعبیر از بیگانگی است عبارت است از پاره‌ای شرایط آرمانی اجتماعی که فرد از آن‌ها بیگانه می‌شود. در این صورت از خود بیگانه بودن، یعنی در پایین‌ترین حد آرمانی قرار داشتن که اگر جامعه شرایط متفاوتی می‌داشت شخص به آن می‌رسید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

با توجه به نظریات مطرح شده در خصوص بیگانگی اجتماعی و مولفه‌های آن و علی‌الخصوص نظریه ملون سیمن این مولفه‌های بیگانگی اجتماعی به عنوان عوامل شناخته شده‌اند که در صورت بالا بودن میزان آن‌ها محرکی بر کاهش ایجاد فرهنگ سیاسی خاص یا به نوعی خرده فرهنگ معارض سیاسی شکل می‌گیرد و باعث بی تفاوتی و بدبینی به سیاست و بی اعتمادی به دولت است که در نهایت منجر به جدایی مردم و سیستم حاکمیت است. و در حالت عکس آن یعنی پایین بودن میزان بیگانگی اجتماعی باعث شکل‌گیری فرهنگ سیاسی موافق با سیاست‌های کلی حاکمیت و باعث بالارفتن مشروعیت نظام حاکم و در نهایت قدرتمندی جامعه و کشور می‌شود.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه موضوع پژوهش با متغیرها و ابعاد مطروحه، برای اولین بار است، به همین جهت استناد دقیق به پژوهش‌های پیشین به سهولت میسر نیست، حداقل المقدور از پژوهش‌هایی با موضوعات نسبتاً مشابه بهره گرفته شده است. در این زمینه پژوهش‌های تجربی به نسبت زیادی صورت گرفته است من جمله:

در سال ۱۹۶۳ دو آمریکایی به نام‌های گابریل آلموند و سیدنی وریا در یک پژوهش گسترده در زمینه فرهنگ سیاسی باهم مشارکت داشتند. اینان در کتاب فرهنگ مدنی سه نوع فرهنگ سیاسی را براساس سطح و نوع مشارکت سیاسی و ماهیت نگرش مردم نسبت به سیاست عنوان نموده‌اند: محدود، مطیع، مشارکتی. و معتقدند شخصیت سیاسی هر فرد در هر مقطع از زمان، ترکیبی است از احساسات و ایستارهای متعدد که به نسبت‌های مختلف باهم تلفیق یافته

اند. در ژرفترین سطح، هویت‌ها و باورهای کلی مانند ملیت، تصور فرد در مورد قومیت و طبقه خود، پی‌بندی‌های مذهبی و مسلکی، و احساس بنیادین فرد در مورد حقوق و وظایف خویش در جامعه وجود دارد. علاوه از اینها شناخت‌هایی در مورد نهادهای سیاسی و حکومتی که شناخت‌های غیر احساسی هستند وجود دارد. در رده سوم دیدگاه‌های تحول‌پذیری هست که فرد رد مورد رویدادها، سیاستها، موضوعات و شخصیت‌های روز دارد.

علمی و تقی‌لو در پژوهشی به «بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده» پرداخته‌اند. روش پژوهش از نوع پیمایشی استنتاج پژوهش‌شان می‌دهد بین مولفه‌های بیگانگی اجتماعی، احساس انزوای اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنا دار به دست آمده در حالی که دیگر مولفه‌های بیگانگی رابطه‌ای با مشارکت سیاسی ندارد و نتیجه گرفته شده که بیگانگی اجتماعی نقشی در میزان افزایش و کاهش مشارکت سیاسی ندارد. و بر حسب جنسیت دانشجویان، نتایج پژوهش‌شان می‌دهد که مشارکت سیاسی پسران بیش از دختران است.

طهماسبی نادری، در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد خود در رشته جامعه‌شناسی که تحت عنوان «توصیف و تبیین عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه با هنر کرمان» انجام داده است. روش پژوهش پیمایشی بوده است. یافته‌های پژوهش‌شان می‌دهد که بین ارزشهای فردی، میل به مشارکت عمومی، میزان افسردگی، فرصت عمل سیاسی از سوی مدیران جامعه برای دانشجویان و اطلاعات منتشره در سطح جامعه با مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

سرابی و نسرین صفیری در پژوهشی به «بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر» پرداخته‌اند. در این پژوهش با استفاده از تکنیک پیمایش بر روی ۲۷۰ دانشجوی دانشگاه امیرکبیر انجام شده است. نتایج پژوهش‌شان داد که میزان اعتماد سیاسی پاسخگویان حدود «۳۳٪ اعتماد سیاسی بالا» بوده است. همچنین نتایج پژوهش‌شان داد که جنسیت و میزان تحصیلات تأثیری بر میزان اعتماد سیاسی نداشته، ولی اعتماد سیاسی در طبقات مختلف اجتماعی، متفاوت است.

و ثوقی و ساری در پژوهشی به بررسی «گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی (پژوهشی در شهر تهران)» پرداخته‌اند. در این پژوهش عوامل موثر بر بیگانگی اجتماعی در دو سطح خرد و کلان و تحت تاثیر دو گروه عوامل درون‌سیتمی و برون‌سیتمی در نظر گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: بی‌هنجاری رایج‌ترین گونه بیگانگی در میان جوانان است و پس از آن بی‌معنایی در رتبه دوم، از خود بی‌زاری در رتبه سوم، انزوای اجتماعی در رتبه چهارم و بی‌قدرتی در رتبه آخر قرار دارد. همچنین پدیده بیگانگی در دختران و پسران وضعیت یکسانی را داراست. مصصلی نژاد در کتابی با عنوان «فرهنگ سیاسی در ایران، معتقد است فرهنگ سیاسی ایران شکل خاصی دارد که فاقد ویژگی‌های تبیین شده در تئوریهای فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی است. شاخصهای فرهنگ سیاسی ایران مبتنی بر ترکیبی از سه شکل بندی یاد شده است (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

فرضیه‌ها

- بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز رابطه وجود دارد
- بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی نظارت سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز رابطه وجود دارد.
- بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی مدیریت نیروی انسانی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز رابطه وجود دارد.
- بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ ستیز و خشونت در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز رابطه وجود دارد.
- سطح فرهنگ سیاسی در بین جنسیت زن و مرد معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز متفاوت است.
- میزان بیگانگی اجتماعی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز بالاست.
- سطح فرهنگ سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز در حد متوسط است.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی از نوع همبستگی استفاده شده است. و از نظر هدف یک بررسی کاربردی است. از نظروسعت، یک پژوهش پهنانگر است و از نظر دامنه، یک مطالعه خرد است. در این پژوهش کل جامعه آماری ما شامل دبیران مقطع متوسطه شهر تبریز است که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول به تدریس هستند. طبق آمار و گزارش رسمی اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی ۲۶۲۵ نفر است که از این تعداد ۱۳۹۶ نفر زن و ۱۲۲۸ نفر مرد هستند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۵ نفر بدست آمد. از لحاظ شیوه گردآوری آوری اطلاعات، از نوع پژوهش‌های اسنادی و پیمایشی است. برای اندازه‌گیری متغیرهای این پژوهش از پرسشنامه کتبی با استفاده از طیف پنج درجه‌ای لیکرت اقدام شده است و سوالات بر اساس بر اساس اهداف آنها بصورت پرسش مستقیم و پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) و در سطح اندازه‌گیری اسمی و فاصله‌ای طراحی شده است. ونمره طیف از کاملاً موافقم (نمره پنج) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) در نظر گرفته شده است ونمرات این شاخصها از طریق نمره درصدی بین صفر تا صد تعیین گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش اعتبار سازه‌ها از اعتبار صوری و اعتبار محتوایی استفاده شده است. جهت بررسی قابلیت پایایی سوالهای پرسشنامه مربوط به هریک از متغیرها و سازه‌ها از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. آزمون تحلیل انجام گرفته برای گویه‌های بیگانگی اجتماعی (۰/۷۲/۲) و برای گویه‌های فرهنگ سیاسی (۰/۸۴) است که نشان دهنده قابلیت اطمینان (پایایی) بالای پرسشنامه است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم افزار spss نسخه ۱۷ انجام گرفته است و در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی است.

نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز رابطه وجود دارد.

جهت آزمون رابطه بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید

وضعیت فرهنگ سیاسی و ابعاد آن در بین نمونه‌های پژوهش

جدول ۱- آماره‌های توصیفی فرهنگ سیاسی

متغیر	میانگین %	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل %	حداکثر %
فرهنگ سیاسی	۴۲/۰۹	۱۴/۲۷	-۰/۲۵	۰	۷۸
فرهنگ ستیز و خشونت	۴۴/۷۷	۱۷/۸	-۰/۳۷	۰	۹۰
اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی	۳۷/۸۴	۲۰/۷۹	-۰/۰۲	۰	۹۶
اعتماد به کارآیی نظارت سیاسی	۴۷/۳۴	۱۹/۱۱	-۰/۴	۰	۹۶

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۱، نمونه‌های پژوهش، از نظر فرهنگ سیاسی دارای میانگین ۴۲ درصد می‌باشند. از نظر مولفه‌های فرهنگ سیاسی، بالاترین میانگین متعلق به مولفه اعتماد به کارآیی نظارت سیاسی با میانگین ۴۷/۳۴ درصد و پایین‌ترین میانگین، متعلق به اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی است.

وضعیت بیگانگی اجتماعی در بین نمونه‌های پژوهش

جدول ۲- آماره‌های توصیفی فرهنگ سیاسی

متغیر	میانگین %	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل %	حداکثر %
بیگانگی اجتماعی	۴۸/۸۹	۱۱/۳	۰/۱۳۶	۰	۷۹

همانگونه که در جدول شماره ۲، ملاحظه می‌شود، نمونه‌های پژوهش از نظر بیگانگی اجتماعی دارای میانگین ۴۸/۸۹ درصد هستند و بالاترین میزان بیگانگی اجتماعی ۷۹ درصد به دست آمده است. نتایج جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی به دست آمده برابر ۰/۱۵ - است که از نظر آماری معنی‌دار است و این دو متغیر دارای همبستگی معکوس و منفی هستند و شدت همبستگی ضعیف است.

جدول ۳- بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی در بین معلمان مقطع متوسطه شهر

تبریز

متغیر	بیگانگی اجتماعی
فرهنگ سیاسی	ضریب همبستگی ۰/۱۵- سطح معناداری ۰/۰۰۳ تعداد پاسخگویان ۳۲۹

- فرضیه دوم: بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی نظارت سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز رابطه وجود دارد.

جهت آزمون رابطه بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی نظارت سیاسی معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی به دست آمده برابر ۰/۱۵- و سطح معناداری ۰/۰۰۰- بیانگر این است که این دو متغیر دارای همبستگی معکوس و منفی هستند و شدت رابطه ضعیف است.

جدول ۴- بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی نظارت سیاسی در بین معلمان مقطع

متوسطه شهر تبریز

متغیر	بیگانگی اجتماعی
اعتماد به کارایی نظارت سیاسی	ضریب همبستگی ۰/۲۰۲- سطح معناداری ۰/۰۰۰ تعداد پاسخگویان ۳۲۹

- فرضیه سوم: بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی مدیریت نیروی انسانی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز رابطه وجود دارد.

جهت آزمون رابطه بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارایی مدیریت نیروی انسانی معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. همانگونه که در جدول شماره ۵، ملاحظه می‌شود، سطح معناداری ۰/۰۰۰ با همبستگی ۰/۲- به دست آمده

بیانگر این است که این دو متغیر دارای همبستگی معکوس و منفی هستند و شدت رابطه ضعیف است.

جدول ۵- بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی در بین معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز

بیگانگی اجتماعی	متغیر
ضریب همبستگی $-0/209$ سطح معناداری $0/000$ تعداد پاسخگویان ۳۲۹	اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی

- فرضیه چهارم: بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ ستیز و خشونت در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز رابطه وجود دارد.

جهت آزمون رابطه بین بیگانگی اجتماعی و فرهنگ ستیز و خشونت معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. همانگونه که در جدول شماره ۶، ملاحظه می شود، سطح معناداری $0/006$ با همبستگی $0/1$ به دست آمده بیانگر این است که این دو متغیر دارای همبستگی مستقیم و مثبت هستند و شدت رابطه ضعیف است.

جدول ۶- بیگانگی اجتماعی و فرهنگ ستیز و خشونت در بین معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز

بیگانگی اجتماعی	متغیر
ضریب همبستگی $0/14$ سطح معناداری $0/006$ تعداد پاسخگویان ۳۲۹	فرهنگ ستیز و خشونت

جدول ۷- مقایسه توصیفی فرهنگ سیاسی در بین معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز به

تفکیک جنس

متغیر	جنس	تعداد	میانگین %	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
فرهنگ سیاسی	مرد	۱۶۴	۴۱/۹۳	۱۴/۷۶	۰/۱۵
	زن	۱۶۵	۴۲/۲۵	۱۳/۸۱	۱/۰۷
اعتماد به کارایی نظارت سیاسی	مرد	۱۶۴	۴۸/۰۷	۱۸/۲۲	۱/۴۲
	زن	۱۶۵	۴۶/۶۲	۱۹/۹۸	۱/۵۵
اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی	مرد	۱۶۴	۳۵/۷۲	۲۱/۶۲	۱/۶۸
	زن	۱۶۵	۳۹/۹۵	۱۹/۷۷	۱/۵۳
فرهنگ ستیز و خشونت	مرد	۱۶۴	۴۶/۸۶	۱۸/۲۵	۱/۴۲
	زن	۱۶۵	۴۲/۷	۱۷/۱۴	۱/۳۳

فرضیه پنجم: بنظر می‌رسد سطح فرهنگ سیاسی در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز برحسب جنسیت آنان متفاوت است.

جدول ۸- مقایسه توصیفی فرهنگ سیاسی در بین معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز به

تفکیک جنس

آزمون T برای برابری میانگین‌ها		آزمون لون برای برابری واریانس‌ها			
سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری	مقدار F	
۰/۸۳	۳۲۷	-۰/۲	۰/۰۳	۱/۰۳	فرهنگ سیاسی
۰/۴۹	۳۲۷	۰/۶۸۹	۰/۰۵	۳/۸۷	اعتماد به کارایی نظارت سیاسی
۰/۰۶	۳۲۷	-۱/۸۵	۰/۱۷۶	۱/۸۴	اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی
۰/۰۳۴	۳۲۷	۲/۱۳۲	۰/۷۸۹	۰/۰۷	فرهنگ ستیز و خشونت

جهت تعیین تفاوت سطح فرهنگ سیاسی و مولفه‌های آن در بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه شهر تبریز، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. با توجه به اطلاعات جدول شماره ۷:

در متغیر فرهنگ سیاسی، سطح معناداری ۰/۸ به دست آمده است و اطلاعات ارائه شده در جدول ۸ نیز ارائه شده، میانگین فرهنگ سیاسی در بین معلمان مرد ۴۱/۹۳ و در بین معلمان زن ۴۲/۲۵، به دست آمده است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین فرهنگ سیاسی معلمان بر اساس جنس آنها وجود ندارد.

در مولفه اعتماد به کارایی نظارت سیاسی فرهنگ سیاسی، سطح معناداری ۰/۴ به دست آمده است و اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۸ نیز ارائه شده، میانگین اعتماد به کارایی نظارت سیاسی در بین معلمان مرد ۴۸/۰۷ و در بین معلمان زن ۴۶/۶۲ درصد به دست آمده است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین اعتماد به کارایی نظارت سیاسی معلمان بر اساس جنس آنها وجود ندارد.

در مولفه اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی فرهنگ سیاسی، سطح معناداری ۰/۰۶ به دست آمده است و اطلاعات ارائه شده در جدول ۴-۸ نیز ارائه شده، میانگین اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی در بین معلمان مرد ۳۵/۷۲ و در بین معلمان زن ۳۹/۹۵ درصد به دست آمده است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین اعتماد به کارآیی مدیریت نیروی انسانی معلمان بر اساس جنس آنها وجود ندارد.

در مولفه فرهنگ ستیز و خشونت فرهنگ سیاسی، سطح معناداری ۰/۰۳ به دست آمده است و اطلاعات ارائه شده در جدول ۸ نیز ارائه شده، میانگین فرهنگ ستیز و خشونت در بین معلمان مرد ۴۶/۸۶ و در بین معلمان زن ۴۲/۷ درصد به دست آمده است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین فرهنگ ستیز و خشونت معلمان بر اساس جنس آنها وجود دارد و فرهنگ ستیز در بین معلمان مرد دارای میانگین بالاتری نسبت به معلمان زن وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیونی چند منظوره

پیش بینی فرهنگ سیاسی بر اساس متغیر بیگانگی اجتماعی معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز جهت تعیین میزان قابلیت پیش بینی فرهنگ سیاسی بر اساس متغیر بیگانگی اجتماعی، از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده گردید.

همچنین نتایج جدول ۹، نشان می دهد که متغیر مستقل پژوهش توانایی تبیین ۲۳ درصد از واریانس فرهنگ سیاسی معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز را دارند.

جدول ۹- خلاصه مدل رگرسیونی متغیر فرهنگ سیاسی معلمان مقطع متوسطه شهر

تبریز

ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل شده	انحراف معیار تخمین
۰/۱۵۳	۰/۲۳	۰/۲۰	۱۴/۱۳

جدول ۱۰- مدل رگرسیونی

نام متغیر	B	Beta	t	Sig
بیگانگی اجتماعی	-۰/۱۹	-۰/۱۵۳	-۲/۷۹	۰/۰۰۵

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۱۰، ملاحظه می شود که بررسی نتایج سطح معناداری آزمون t نشان می دهد که تاثیر متغیر بیگانگی اجتماعی بر متغیر وابسته معنادار است.

B ضریب تاثیر متغیر مستقل روی متغیر وابسته است یعنی متغیر مستقل با چه ضریبی و در کدام جهت باعث تغییر در متغیر وابسته می شود. ضریب B برای متغیر ۰/۲- است که بیانگر این است که با افزایش هر واحد بیگانگی اجتماعی، فرهنگ سیاسی معلمان مقطع متوسطه تبریز با ضریب ۰/۲- کاهش می یابد. مقایسه ضرایب تاثیر استاندارد شده نشان می دهد که میزان ضریب تاثیر استاندارد شده مربوط به متغیر مستقل پژوهش ۰/۱۵- است.

بحث و نتیجه گیری

تداوم فرهنگها و فرایندهای تغییر و تحول مادی و ذهنی فرهنگی، جملگی در حکم سنگ بنای تفکرات و نگرشهای افراد در حوزه های مختلف اندیشه و عمل هستند. جدایی فرد و جامعه

از زمان و مکان شکل گیری فرهنگشان، قسمتی از بیگانگی را بدنبال خواهد داشت. اندیشمندان، بی ریشگی و درهم ریختگی بی ریختی را موجب خواهد شد که کمترین نتیجه آن واماندن از قافله توسعه و پیشرفت و چیدمان ناصحیح باورها و عقاید آنان خواهد بود که با کمترین آسیبی فرو خواهد ریخت. لذا بررسی جامع فرهنگ سیاسی و بیگانگی اجتماعی، لزوماً باید در بستر تاریخی و بستر جغرافیایی جامعه مورد نظر صورت گیرد، تا بدین وسیله رفتارهای نشأت گرفته از نگرش سیاسی مبتنی بر فرهنگ، قابل تبیین و یا حتی توصیف باشند.

باتوجه به اینکه آزمون معنی داری متغیرهای اعتماد به کارآیی نظارت سیاسی و اعتماد به کارآیی مدیریت منابع انسانی و همچنین متغیر فرهنگ ستیز و خشونت کمتر از ۰/۰۵ بوده ($sig < 0/05$) میتوان نتیجه گرفت که فرضیات مربوط به این متغیرها تأیید شده و بین این متغیرها با بیگانگی اجتماعی ارتباط معنی داری وجود دارد. نتایج نشان میدهند بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد به کارآیی نظارت سیاسی رابطه هست میانگین آن در مردان ۴۸/۰۷ و در زنان ۴۶/۶۲ است. سیمن معتقد است بیگانگی اجتماعی؛ ساختار بوروکراسی جامعه مدرن شرایطی را ایجاد و ابقا کرده است که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل و عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به کنش منفعلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد. و گیدنز معتقد است سازمانها و سازمان دهی از ویژگیهای عمده دنیای مدرن است. در دنیای مدرن از یکسو اعتماد مردم به سیاستهای پارلمانی و سیاستمداران قدیمی، کاهش یافته و از طرفی دیگر بی میلی به دموکراسی مشاهده نمیشود و این بدان معناست که مردم در عصر حاضر خواستار نوعی جدید از نهادهای سیاسی و سیاستمداران هستند که بتوانند واقعا بر زندگی مردم تأثیر گذار باشند. با توجه به گسترش رسانه‌ها و ابزار اطلاع رسانی جمعی، امروزه حکومتها در همان محیط اطلاع رسانی قرار دارند که مردمانشان هستند، پس حکومتها باید شیوه رفتارشان با شهروندان را تغییر دهند. شوارتزبرگ نظارت را توان هماهنگی رفتار افراد و گروهها از هر طریق ممکن از جمله راههای اداری و وضع قوانین میداند. وی معتقد است تمام بخشهای زندگی اجتماعی به فعالیتهای خاص خود میپردازند اما سیاست وظیفه ایجاد نظم،

عدالت و هماهنگی آنها را به منظور رسیدن به نفع همگانی یا مصلحت عمومی بر عهده دارد. برای رسیدن به این هدف لازم است که نظام سیاسی از کارآییهای لازم برخوردار باشد و نظارت دقیقی بر پیرامون خود اعمال نماید. سرایی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای در زمینه اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر انجام داده نشان داد که جنسیت بر میزان اعتماد سیاسی تأثیر نداشته ولی اعتماد سیاسی در طبقات مختلف متفاوت است. در این تحقیق نیز ثابت شد جنسیت تأثیری در اعتماد به کارآیی نظارت سیاسی ندارد. تقی لو و علمی (۱۳۹۱)، نشان دادند مشارکت سیاسی پسران بیش از دختران است. نتیجه این پژوهش با نتیجه حاصل از پژوهش ما در خصوص تفاوت سطح فرهنگ سیاسی بر اساس جنسیت همخوانی ندارد.

رابطه بیگانگی اجتماعی با اعتماد به کارآیی مدیریت منابع انسانی معنی دار بوده است در این متغیر میانگین مردان ۳۵/۷۲ و میانگین زنان ۳۹/۹۵ بدست آمد، حاکی از آن است تفاوت چشمگیری از لحاظ جنسیتی تفاوت معناداری مشاهده نشده است. نقیب زاده در کتاب خویش شرح میدهد که استفاده نظام سیاسی از منابع برای حفظ خود و انجام وظایفی که بر عهده دارد، ضروری است. این منابع بر دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم میشوند. یکی از معانی استضعاف این است که کشوری نتواند از مواهبی که خدا و طبیعت در اختیار او قرار داده است، بهره لازم را برد، به همین دلیل میتوان تمام دولتهای جهان سوم را مستضعف توصیف نمود، زیرا قادر به بهره‌وری از منابع خود نیستند. مهمتر از آن منابع طبیعی است که در اغلب جوامع توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته بدان بی توجهی میشود، بهره‌وری از منابع طبیعی هم در گرو داشتن نیروی انسانی است. بی توجهی مسئولان در برخی از کشورها به نیروی انسانی سبب شده تا بخش عمده‌ای از منابع انسانی خویش را از دست بدهند. نیروی انسانی ناکارآمد و نبود افراد با درایت در قسمت سیاست‌گذاری و مدیریت نیرو انسانی داخلی و خارجی سبب شده تا نتوانند در عرصه بین‌المللی از حقوق خود دفاع کنند. پژوهش‌های پیشین در این خصوص بسیار محدود بوده و قابل استناد نیستند. با عنایت به نتیجه بدست آمده از این پژوهش، اعتماد به مدیریت منابع انسانی از حد متوسط پایینتر نشان داده شده است که این مسئله زنگ خطر برای سیاست‌گذاران در بخش مدیریت منابع انسانی است. با توجه به اینکه ساخت سنی جامعه ایران، جوان هست و

همچنین با توجه به آمار جمعیت، لزوم برنامه ریزی صحیح در بازه‌های زمانی کوتاه مدت و بلند مدت باید در اولویت برنامه‌های نظام سیاسی ایران قرار گیرد

رابطه بیگانگی اجتماعی با فرهنگ ستیز و خشونت معنی دار است. میانگین مردان ۴۶/۸۶ و میانگین زنان ۴۲/۰۷ محاسبه شد. با استناد به این ارقام حاصله تفاوت زیادی در بین مردان و زنان از لحاظ خشونت مشاهده نشد، اما این آمار نیز هشدار می‌دهد که وجود ستیز و خشونت، آنهم در بین قشر معلمان که، پیام آوران منطق و آرامش هستند، نگران کننده است. وجود این سطح از خشونت طبق نظر هومنز، حکایت از ناکامی‌ها و محرومیتها در سطوح و ابعاد مختلف دارد و این امر را به ذهن متبادر می‌کند، در کشوری که معلمان مقطع متوسطه آن که اغلب در سنین چهل سال به بالا هستند، ضروری است عوامل ایجاد خشونت و ستیز بصورت کامل بررسی شده و برای رفع آنها برنامه ریزی صورت گیرد. در غیر اینصورت ما در نردبان توسعه مسیر معکوس را طی خواهیم نمود و توسعه و توسعه پایدار محقق نخواهد شد. بروز و ظهور خشونت سیاسی در جامعه‌ای می‌تواند علائم نوعی بیماری سیاسی باشد که بدنبال بیماری بیگانگی اجتماعی و به دلیل عدم درمان و یا درمان ناصحیح الینه شدن افراد جامعه حاصل شده است. طبیعی است اگر این علائم از راه‌های صحیح و علمی به موقع تشخیص داده نشده و درمان نشود؛ علاوه از سیاست بخش‌های دیگر جامعه نظیر اقتصاد، خانواده و حتی آموزش را آلوده خواهد نمود. فرضیه وجود تفاوت سطح فرهنگ سیاسی از لحاظ جنسیتی در جامعه آماری مورد بررسی تأیید نشد. نتایج این پژوهش نشان داد تفاوت معناداری در سطح فرهنگ سیاسی در بین مردان و زنان بررسی شده وجود ندارد میانگین فرهنگ سیاسی مردان ۴۱/۹۳ و میانگین فرهنگ سیاسی زنان ۴۲/۲۵ بدست آمد و چون جامعه آماری در این پژوهش از افراد دارای تحصیلات عالیه در هر دو جنس زن و مرد است، می‌توان چنین استدلال نمود که سطح تحصیلات می‌تواند نگرش‌های سیاسی افراد را تحت تأثیر قرار داده است. و با نظرات اولسن و ام البنین و... و نظر لیپست و دیگران که معتقدند مردان در مقابل زنان، در فعالیتهای سیاسی فعالیت‌های بیشتری ندارند. یک دلیل دیگر این امر مربوط به مسئله رأی دادن در امور سیاسی است که مرد و زن بصورت یکسان در رأی دادن دارای حقوق مساوی هستند و این امر می‌تواند به فعالیت‌های سیاسی منجر شده باشد.

فرضیه وجود میزان بالای بیگانگی اجتماعی تأیید شد. نتایج آزمون نشان داد میانگین فرهنگ سیاسی جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش ۴۸/۸۶ است. وجود این میزان بیگانگی اجتماعی در بین قشری که در کانال جامعه پذیری افراد جامعه سهم بسزایی دارند و باید فرهنگ و ارزش‌های جامعه را منتشر کنند، زیاد بوده و این فرضیه تأیید می‌گردد.

فرضیه سطح فرهنگ سیاسی در بین معلمان متوسط است، تأیید شد. نتایج حاصله از آزمون نشان داد میانگین فرهنگ سیاسی معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز ۴۲/۰۹ با ضریب کچی ۰/۲۵ است - است که سطح فرهنگ سیاسی نزدیک به متوسط را در بین افراد جامعه آماری نشان می‌دهد، گابریل الموند و سیدنی وربا در مورد انواع فرهنگ سیاسی در پژوهشی جامع انواع فرهنگ سیاسی را بررسی نمودند؛ نوع فرهنگ سیاسی بدست آمده از این پژوهش و در این جامعه آماری بررسی شده، فرهنگ سیاسی مطیع است. طبق نظر آلموند ویژگی این نوع فرهنگ سیاسی این است که در آن شهروندان از تصمیمات دولت آگاه هستند و کمتر با آن به مخالفت می‌پردازند؛ افراد از سیاست سیاستمداران و مؤسسات آگاهی دارند؛ در سیاست اثر می‌گذارند ولی در عین حال، بیشتر از آن تأثیر می‌پذیرد. دیاموند معتقد است دموکراسی پدیده‌ای تکاملی است و تقریباً همه جوامع بشری و دولت - ملتها این سیر تکاملی را طی کرده یا در حال تکمیل مراحل آن هستند. او بر اهمیت فرهنگ سیاسی به عنوان عامل اصلی در تحکیم دموکراسی تأکید می‌کند. اینگلهارت و ولزل نیز در تئوری خود، در چارچوب رهیافت توسعه انسانی و تبدیل جوامع از ماقبل صنعتی به صنعتی و از صنعتی به فرا صنعتی، به فرهنگ سیاسی توجه کرده‌اند. فرضیه اصلی مبنی بر اینکه بین فرهنگ سیاسی و بیگانگی اجتماعی رابطه وجود دارد، در جامعه آماری مورد بررسی تأیید شد. نتایج پژوهش نشان داد بین این دو متغیر ارتباط معنی دار معکوس هست، به این معنی که هرچه میزان بیگانگی اجتماعی بالاتر می‌رود، سطح فرهنگ سیاسی تنزل می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر مستقل پژوهش توانایی تبیین ۲۳ درصد از واریانس فرهنگ سیاسی معلمان مقطع متوسطه شهر تبریز را دارند. ضریب B برای متغیر ۰/۲- است که بیانگر این است که با افزایش هر واحد بیگانگی اجتماعی، فرهنگ سیاسی معلمان مقطع متوسطه تبریز با ضریب ۰/۲- کاهش می‌یابد. مقایسه ضرایب تاثیر استاندارد شده نشان می‌دهد که میزان ضریب تاثیر استاندارد شده مربوط به متغیر مستقل پژوهش ۰/۱۵- است.

پیشنهادها

مطابق دستاوردهای مطالعات انجام شده در بخش نظری و نتایج پژوهش‌های در بخش پیمایشی پیشین و نتایج حاصل از این پژوهش و با در نظر گرفتن محدوده موضوعی، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- در زمینه انواع بیگانگی پژوهش صورت گیرد تا مشخص شود کدام نوع بیگانگی (از خود بیگانگی، بیگانگی اجتماعی، بیگانگی سیاسی، بیگانگی از کار و...) در ایران بیشتر است .
- بررسی نوع و سطح فرهنگ سیاسی در بین اقشار و طبقات مختلف صورت گیرد .
- بررسی میزان خشونت سیاسی و راه‌های کاهش و رفع آن در رده‌های سنی مختلف و اقشار گوناگون
- در زمینه راه‌های افزایش اعتماد سیاسی در بین اقشار و طبقات مختلف تحقیقاتی انجام شود.

منابع

- ۱- آلموند، گابریل. (۱۳۷۶)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه: علیرضا طیب، تهران-مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ۲- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین. (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- ۳- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر: گام نو .
- ۴- بشیریه، حسین. (۱۳۸۴). گذار به دموکراسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۵- رزاقی، سهراب. (۱۳۷۵) مولفه‌های فرهنگ سیاسی ما، فصلنامه نقد و نظر، سال دوم، شماره ۳ و ۴
- ۶- سرایی، حسن؛ صفیری، نسرین. (۱۳۸۸). بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان: مطالعه دانشجویان دانشگاه امیر کبیر.
- ۷- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی .

- ۸- عبدالرحمن عالم، فهم فرهنگ سیاسی، فصلنامه سیاست خارجی - سال نهم، شماره ۴
- ۹- عبدالعلی قوام، سیاستهای مقایسه‌ای؛ تهران، سمت - ۱۳۷۳
- ۱۰- علمی، محمود؛ تقی لو، فرامرز؛ موسی‌زاده، رحیم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده
- ۱۱- کوئن، بروس. (۱۳۷۵) درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران = نشر توتیا
- ۱۲- گیدنز آنتونی. (۱۳۸۰)، ۱۹۸۹ پایان قرن بیستم بود، گفتگو با آنتونی گیدنز، ترجمه نیکو سرخوش، کتاب ماه علوم گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۱۳- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه .
- ۱۴- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۰)، بیگانگی، نامه علوم اجتماعی، جلد ۲- شماره ۲، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۵- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۰) آسیب‌شناسی جوانان: بررسی اتزوای ارزشی و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی کشور، موسسه پژوهشی و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، شماره ۲۴
- 16- Diamond: Larry. (1999). Developing Democracy toward consolidation. Baltimore and London: Hopkins university press
- 17- Gabriel A. Almond. Verba, Sidey. (1963). The civic culture. princeton: princeton university press.
- 18- Cuche', Denys; (1996). la nation de culture dandles sciences sicials paris'la Decouverte'.
- 19- Rocher, Gay; Parsons, Talcot. (1972). la sociologic americanine 'paris 'PUF.
- 20- Bourdieu, pierre. (1979). la distinction, Minuit press.